

فانوس

گاهنامه فرهنگ اجتماع

جزایر بزرگ...



دانشگاه علوم پزشکی گلستان
معاونت فرهنگی و دانشجویی



گاهنامه فرهنگی - اجتماعی
شماره چهارم - تابستان ۱۴۰۰
شماره مجوز: ۸۸۲۲۱/۹۷۰۱





حکیمی را پرسیدند چندین درخت نامور که خدای عزوجل آفریده است و برومند هیچ یک را آزاد نخوانده‌اند مگر سرو را که ثمره‌ای ندارد. گویی درین چه حکمت است؟ گفت: هر درختی را ثمره معین است به وقتی معلوم. گاهی به وجود آن تازه‌اند و گاهی به عدم آن پژمرده شوند و سرو را هیچ از این نیست و همه ی وقتی خوش است و این است صفت آزادگان.

به آنچه می‌گذرد دل منه که دجله بسی
پس از خلیفه بخواهد گذشت در بغداد

گرت ز دست بر آید چو نخل باش کریم
ورت ز دست نیاید چو سرو باش آزاد

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



گامنامه فرهنگی - اجتماعی
شماره چهارم - تابستان ۱۴۰۰
شماره مجوز: ۸۸۲۲/۹۷۰۱

- ۴..... با هم برای هم
۵..... نظام بین الملل
۷..... چرا کوبا؟
۸..... می توئم به شما دست بزنم؟
۱۰..... آزادی و رشد اجتماعی
۱۲..... از این کرونا تا اون کرونا
۱۳..... من انسانم پس انتخاب می کنم
۱۵..... چرا انقدر پراکنده ایم؟

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی

مدیرمسئول: محمدمهدی فردین

سردبیر: محمدمهدی فردین

افرادى كه در این شماره نشریه با ما همراه بودند:
امیر حسین احمدی نیا، امیر حسین طالب جلیل، جواد
ایزدی، محمدجواد جانپور، ابادر نجاتی، محمدامین
علیزاده، محمدمهدی فردین

صفحه آرا و گرافیکست: فرزاد سقائی



با هم برای هم

اینکه شرایط سخت اقتصادی از مسکن و واردات گرفته تا ازدواج و اشتغال وجود دارد... و اینکه قهر با صندوق، رای بی رای، تحریم انتخابات و... نقل و نبات بحث های شبکه های خارجی فارسی زبان یا کلاب هاوس های مجازی و کانال های تلگرامی و هشتگ های توییتری شده... وقتی مردم با چشیدن تمام مشکلات بازهم مسئولیتی در برابر آینده ی کشور حس می کنند و با حضوری از جنس امید گامی برای تحویل وضعیت موجود برمیدارند و همچنین هموطنان خارج کشور با تحمل تمامی توهین ها و بی شرمی های عده ای پست و مدعی آزادی و دموکراسی برای اعتلای کشور رای میدهند. همه و همه حکایت از رزمایش ملتی دارند که خود خواهان انتخاب سرنوشت خود را دارند... و مسلما منتخب، باید تمام وقت خود را صرف خدمت به احاد ملت کند چه آنان که به او رای نداند، یا رای باطله دادند و یا در انتخابات شرکت نکردند... گام اول مردم در انتخاب رییس جمهور صورت گرفت... و گام دوم را منتخب مردم ان شاءالله با تعیین کابینه ای کارآزموده برخواهد داشت... و باقی گام ها که در این ۴ سال شاهد آن خواهیم بود... و با همین گام ها مردم می توانند تمدنی بسازند با هم برای هم از جنس ایران...
تحریریه فانوس

فانوس فانوس فانوس
فانوس فانوس فانوس
فانوس فانوس فانوس
فانوس فانوس فانوس
فانوس فانوس فانوس
فانوس فانوس فانوس
فانوس فانوس فانوس
فانوس فانوس فانوس
فانوس فانوس فانوس
فانوس فانوس فانوس



نظام بین الملل (مورچه چیه که کله پاپش چی باشه)

کشور ها از حیث های مختلف قابل دسته بندی شدن هستند برای مثال از حیث اقتصادی میتوان آن هارا توسعه یافته و توسعه نیافته و ... نامید. از حیث سیاسی به نظام های پادشاهی ، دموکرات ، الیگارشیک و ... از حیث حقوق بین الملل به وابسته و غیر وابسته ...

ما برای درک صحیح اتفاقات گذشته ملت ها ، حوادث در حال جریان و پیش بینی آینده جهان نیاز به سنجش کشور ها از حیث حقیقی داریم و نه صرفا بررسی حیث حقوقی آنها ، چرا که تنها پرداختن به جنبه حقوقی یک کشور سبب خطا و اشتباه در دیدگاه ما نسبت به سیاست های داخلی و خارجی میشود.

از حیث حقوقی و اعتباری نزدیک به ۲۰۰ کشور در جهان وجود دارند که عضو سازمان ملل هستند و از این حیث هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند.

موناکو با جمعیت ۳۸ هزار نفری و وسعت تنها ۲ کیلومتر مربع دومین کشور کوچک جهان بعد از واتیکان محسوب میشود موناکو عضوی از سازمان ملل و از لحاظ حقوقی یک کشور محسوب میشود. روسیه نیز با در دست داشتن بیش از ۱۱٪ خشکی های جهان ! و جمعیت ۱۴۵ میلیونی بزرگترین کشور و عضو سازمان ملل محسوب میشود.

اما موناکو و روسیه علیرغم این تفاوت فاحش در حیث حقیقی (مثل جمعیت و مساحت) هر دو از حیث حقوقی و اعتباری یک کشور خوانده میشوند چون هر دو عضو سازمان ملل هستند. به بیان دیگر شاید روسیه از موناکو بزرگتر و پرجمعیت تر باشد ولی از جنبه حقوقی کشورتر نیست ! مگر جنبه حقیقی را مدنظر داشته باشیم.

احتمالا شما هم تصاویر فراوانی را از کشور لیختن اشتاین در فضای مجازی دیده اید. کشوری فوق العاده زیبا و سرسبز در دل اروپا ، معماری هایی به سبک اروپایی که در قلعه ها به اوج خود میرسد ، خیابان هایی تمیز و بدون چاله! و...اما شاید کسی به جنبه حقیقی این کشور به نحو شایسته ای

بسم الله الرحمن الرحيم
اگر در خاطرتان باشد در قسمت قبل درباره خاورمیانه ای صحبت کردیم که ماهیت آن بسیار متفاوت از خاورمیانه حال حاضر بود. خاورمیانه ای بدون وجود کشورهای همچون سوریه، عراق، عربستان ، اردن ، لبنان و...

و پرسیدیم در صورت نبود این کشورها، پس چه کشور یا کشورهایی به جای آنها در این منطقه حضور داشتند ؟ که جواب امپراتوری عظیم و پهناور عثمانی بود.

و در آخر سوال کردیم چه اتفاقی سبب شکل گیری خاورمیانه ای هزارپاره با کشورهای ریز و درشت از امپراتوری عثمانی شد؟ که پاسخ را در سال های جنگ جهانی اول در ۱۰۰ سال قبل جستجو نمودیم . آن زمان که نمایندگان بریتانیای کبیر و فرانسه طی یک قرارداد منحوس به نام سایکس-پیکو امپراتوری عثمانی را باب میل خود مرزبندی و تکه تکه کردند و کشور های حال حاضر خاورمیانه را ساختند. در واقع این کار جهت راحتی هضم این غنیمت جنگی بزرگ (عثمانی شکست خورده) صورت گرفت به هر حال لقمه ای به بزرگی خاورمیانه نیاز به قطعه قطعه شدن داشت تا هر طرف سهم خود را به دلخواه بردارد.

عراق ، اردن و ... به انگلیس رسید/ لبنان و سوریه و... به فرانسه/ و جالبترین قسمت اینکه فلسطین منطقه بین المللی نامیده شد تا بعد ها نطفه حرامی رژیم صیہونیستی در آن ارض مقدس بسته شود و نطفه حرامی که رشد آن در دل کشور های اسلامی مهر ذلتی است بر پیشانی امت مسلمان . برای مطالعه بیشتر میتوانید به کتاب صلحی که همه صلح ها را بر باد داد اثر دیوید فرامکین مراجعه فرمایید.

اما چگونه تکه تکه شدن خاورمیانه زمینه تسلط بیشتر بر آن رافراهم کرد؟

برای پاسخ به این سوال باید کمی عمیق تر به ماهیت کشور های مختلف جهان نگاه بیاندازیم.



نپرداخته است. چطور؟ لیختن اشتاین کشوری است با مساحت ۱۶۰ کیلومتر مربع (یک دهم استان تهران!) و جمعیتی کمتر از ۴۰ هزار نفر و ارتشی که ۱۵۰ سال پیش به دلیل هزینه های زیاد منحل شد! در حال حاضر اتریش و سوویس دو کشور همسایه وظیفه دفاع از لیختن اشتاین را برعهده دارند.

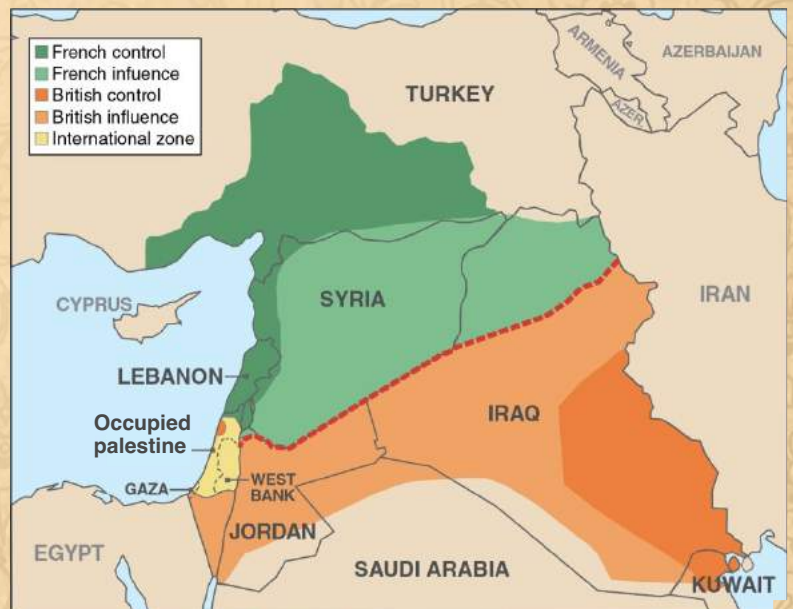
اینکه زحمت دفاع از یک کشور بر عهده همسایه باشد ایرادش کجاست؟ بسیار پیش آمده که بین والدین و فرزندان/ خواهران و برادران و یا صمیمی ترین دوستان اختلاف نظر های عمیقی به وجود آمده پس این امکان هم هست که بین ملل مختلف اختلافاتی پیش بیاید و منافع ملت ها در تعارض با هم قرار بگیرند. کما اینکه شاهد نمونه های بسیاری در نقاط مختلف جهان هستیم.

بنابراین کشور لیختن اشتاین و کشور های کوچک و ضعیف مشابه هم منفعی خواهند داشت که در تعارض با منافع سایر کشور ها باشد یا نظراتی خواهند داشت که مخالف با نظرات کشور های قوی تر دیگر باشد. اینجا تکلیف چیست؟ چاره کار لیختن اشتاین جز اطاعت از کشور قدرتمند تر است؟ آیا مذاکره ضعیف با قوی به نتیجه دلخواه ضعیف تر می انجامد؟ چند دهه مذاکره فلسطین سنگی با رژیم صیہونیستی به نتایج مطلوب فلسطین انجامید؟



زبان برنده فلسطین موشکی چطور؟ بنابراین کشوری که برای حفاظت از منافع خود ارتشی قوی در اختیار نداشته باشد خود را آماده از دست دادن امتیازات فراوانی خواهد نمود چه برسد به اینکه حفاظت از خود را به دیگری سپرده باشد. شاید لیختن اشتاین و واتیکان و موناکو و... از حیث حقوقی کشور عضو سازمان ملل خوانده شوند اما از حیث حقیقی قطعاً مسئله چیز دیگری است. ان شا الله در قسمت بعد بیشتر به جنبه حقیقی کشور ها و تاثیر آن در روابط بین الملل میپردازیم تا پاسخ سوالات مطرح شده روشن تر شود.

امیرحسین احمدی نیا

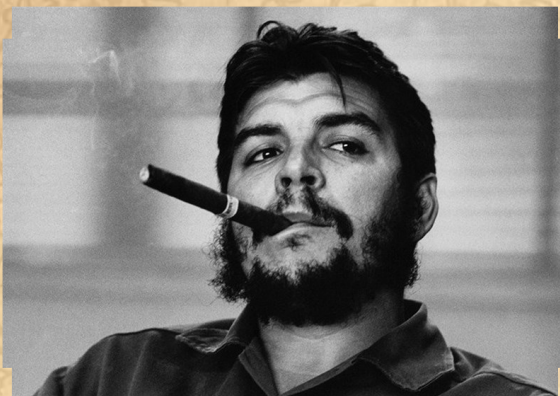


خاور میانه در جنگ جهانی اول - قرارداد سایکس پیکو
مناطق سبز تحت کنترل فرانسه
نارنجی تحت کنترل انگلیس
و زرد بی طرف



چرا کوبا؟!

زیرنویس اخبار : واکسن مشترک ایران و کوبا از خرداد ماه به تولید انبوه میرسد. کوبا!



چرا باید با کوبا واکسن بسازیم خب؟!
سریع رفتیم سراغ مرورگر گوشی و تایپ کردم «کوبا»
چه گوارا، سیگار کوبایی، فیدل کاسترو، صادرات پزشک!
با خواندن یکی دو تا مطلب به اطلاعات جالبی رسیدم؛ برای
مثال کوبا پزشکانش را به سرتاسر دنیا اعزام میکند. در همین
بحران موجود کوبا بیش از ۱۲۰۰ پزشک به بیش از ۲۰ کشور
دنیا اعزام کرد؛ تا آنجا که سازمان جهانی بهداشت با توجه
به خدمات و فعالیت های بشردوستانه کوبا نظام پزشکی آن را
الگویی برای جهانیان دانسته است.

ماجرای انقلاب کوبا و روابط آمریکا و کوبا هم خیلی برام جالب
بود و به واژه های آشنایی برخوردم. «تحریم»

بعد از انقلاب کوبا به رهبری فیدل کاسترو و جنبش ضد امپریالیستی او آمریکا از تحریم های اقتصادی تا
حملات نظامی کوبا را تحت فشار قرار داده است.

اما بجز مسئله مشترکی مثل تحریم، کوبا از لحاظ پزشکی در جایگاه بالایی قرار دارد که موارد زیر تنها چند
موردی است که با دیدن چند سایت به آنها رسیدم.

کمک و خدمات رایگان برای آسیب دیدگان حادثه چرنوبیل تا چند سال پس از آن

ایجاد ۳ بیمارستان صحرائی در آمریکا طی طوفان کاترینا در سال ۲۰۰۵

ایجاد بیش از ۳۰ بیمارستان صحرائی در پاکستان پس از زلزله کشمیر

و اعزام پزشک به ایتالیا، آفریقای جنوبی و چند کشور دیگر طی سال گذشته برای مقابله با کرونا

جدا از این موارد ایران و کوبا قبلا هم در زمینه ساخت واکسن همکاری داشتند و ما فناوری تولید واکسن هپاتیت

B را از کوبا دریافت کرده ایم همچنین از
سال ۹۸ پروژه واکسن پنوموکوک ایران و
کوبا شروع شده است.

در آخرین چالش ذهنی به این نتیجه
رسیدم که با توجه به سطح پزشکی کوبا
و وضعیت تحریم هایی که ایران و کوبا
با آن درگیر بودن وهستند؛ کوبا نه تنها
انتخاب بدی برای این کار نیست بلکه از
بهترین گزینه ها برای همکاری در زمینه
پزشکی و تولید واکسن است.

محمد مهدی فردین



می توئم به شما دست بزئم؟

کتاب هایی که در صفحات آخرش، عکس های یادگاری دارد را دوست دارم و البته که این ویژگی، خاص کتاب هایی است که از یک واقعیت تاریخی سخن می گویند. قبل از شروع خواندن کتاب عکس ها را که میبینم، هیچ احساسی نسبت به آنها و افراد حاضر در تصاویر ندارم. مثل کسی که آلبوم شخصی خود را برایم باز کند و عمه و عمو هایش!! را نشانم می دهد؛ همینقدر غریب همینقدر بی تفاوت. اما پس از خواندن کتاب، انگار آلبوم عکس های خودم را باز می کنم حتی جزئیات کوچک تصاویر هم بخشی از خاطره ام می شوند. و از همین جا به شما پیشنهاد سهیم شدن در آلبوم هایم را می کنم؛ «دختر شینا»، «رسول مولتان»، «در میان سرخ پوست ها» و ...

... کتاب در میان سرخ پوست ها با این مطلب پایان می یابد. (۱) (حاوی اسپویل نیست) با زغال سیاه و خط کج و کوله دبستانی، روی دیوار تازه سفید شده خانه اکبرآقا نوشتیم: «گروه شهید علی قاسم پور آماده مسابقه است.» - «مسابقه می دین؟»

همآورد ها پیدا شدند. با تیشرت های زرد یکدست که اسم تیم شان هم رویش گلدوزی شده بود. مسابقه شروع شد و نتیجه را فکر نکنم هیچ کدام یادم نمانده باشد، ولی نام گروه حریف را چرا «گروه نوجوانان بابی ساندز!» ۲

بابی ساندز، پاتریس لومومبا، آلنده، چگوارا، جمیله بوپاشا، امام موسی صدر و ... و از آن سو پینوشه، موسی چومبه، سوموزا، موشه دایانو ... نام های آشنایی بود در کوچه پس کوچه های جنوب شهر. فرزندان انقلاب حتی بازی هایشان هم رنگ جهانی داشت.

همانقدر که جسم برای جان های برآمده از انقلاب معنوی ایران تنگ بود، خطوطی که سیاستمداران روی کاغذها کشیده بودند نیز نمی توانست مُلکِ آن ملکوت را حصارکشی کند. زمین، سایه آسمان واحد بود و عدالت زمینی، ادامه توحید آسمانی پیروان پاپتی نویسنده «مصباح الهدایة» و «اربعین حدیث» و «سر الصلاة» ۳ ...

همه شنیده ایم که میگویند «دنیا کوچک است» ولی به نظر این بنده نویسنده، دنیا -همین کره خاکی- بزرگ است. قطعاً همیشه بزرگتر چیزی است که ما می بینیم و منشاء این کوچک پنداری، نگاههای کم سوی ما هست از پشت عینکی با شیشه های گرد (نماد انسان دانا). شیشه هایی که احتمالاً با پرسه های اینستاگرامی و گروه های واتس اپی گرد شده است. و شاهد این کم سویی و کوچک پنداری، برگهای شماره یکی است (آس) که هردفعه، این جهان برایمان رو می کند. کتاب در میان سرخ پوست ها از آن برگه ها بود که صدای رو شدنش چون چکی آب دار- از یک دوست دلسوز- تا مدتها در گوش می پیچد و ای کاش تا ابد بیچد.

کتاب، روایت و داستان سه تن (یک دانشجوی آقا، یک روحانی-که قبلاً دانشجو بوده - و یک دانشجوی خانم!) در یک سفر ۴ روزه به مقصد کوچابامبا! پایتخت فرهنگی کشور بولیوی در آمریکای لاتین است.

اصل و هدف این سفر، شرکت در یک همایش مبارزه با گرمایش زمین است ولی کتاب نقل خاطراتی است از حاشیه این سفر چهار روزه. حاشیه ای بینهایت جذاب تر از متن.



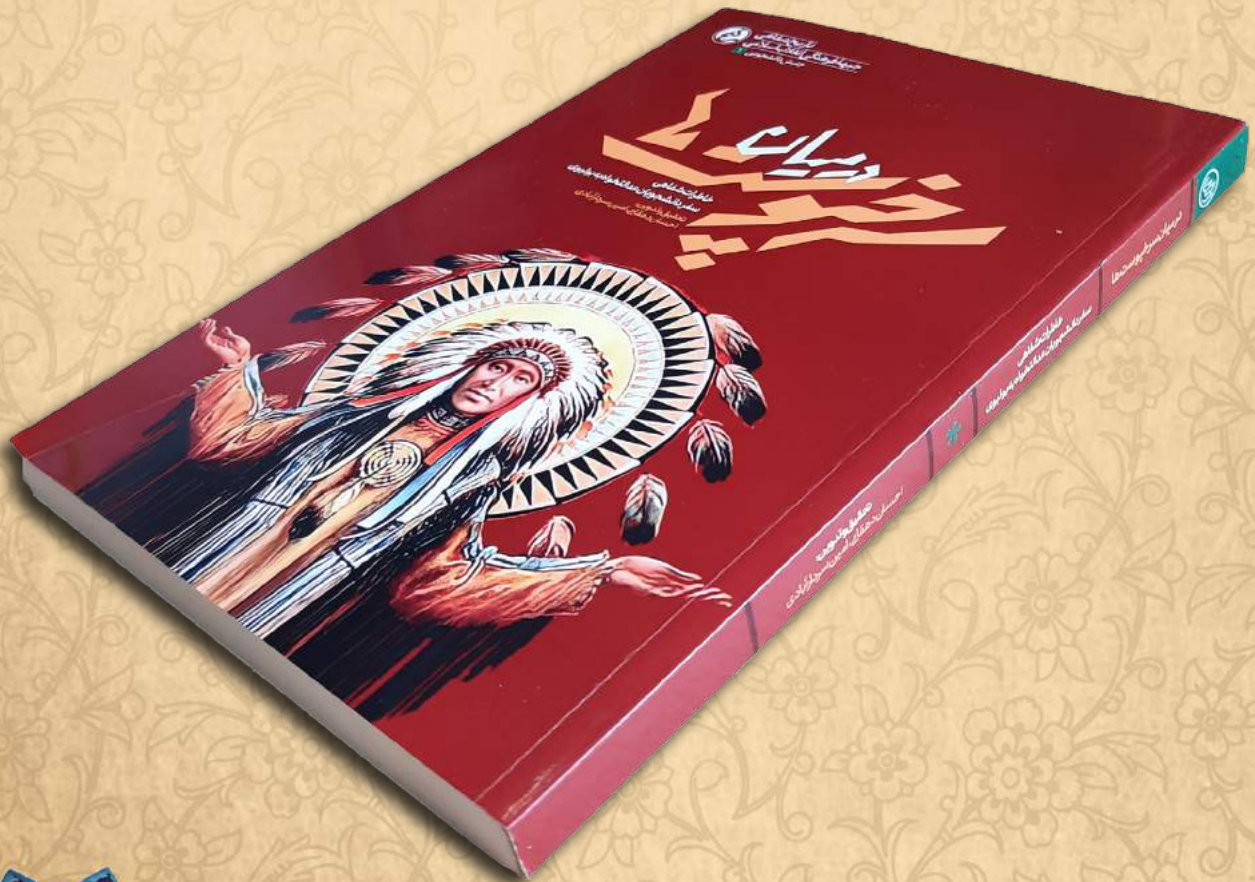
قطعا امکان نقل کامل اتفاقات، در این سیاهه ی کوتاه ممکن نیست و به رسم مسافر از سفر برگشته شما را به یک تحفه «قابل» مهمان می کنم.

می شود به او دست بزنیم؟!
- خانم فاطمه دلاوری

چند دختر کارگر بولیویایی با لباس های مندرس و سبز یک دست مرا دیدند. مثل بیشتر مردم آنجا با ذوق و شوق مرا به همدیگر نشان میدهند. یکی شان از خانم مترجم همراهم می پرسد: «می شود به او دست بزنیم؟» «لابد نگران بودند فقر شان به من سرایت کند! از تفکر طبقاتی حاکم بر ذهن شان غمگین می شوم سریع به سمت شان برمی گردم و آنها را در آغوش می گیرم و شدت تاثیر به فارسی می گویم: «البته!»

می خواهند بایستند و حرف بزنیم اما خانم مترجم عجله دارد. دست یکی شان را می گیرم و می گویم: «بگو». نگاهی می کند می گوید: «دوستت دارم.» بی نظیر اند این ساکنان خونگرم و مهربان آمریکای لاتین و ابراز علاقه و احساس شان. با اشک جواب شان را میدهم؛ زبان بین المللی ما آدمها.

محمدجواد جانپور



آزادی و رشد اجتماعی

پرستی نکنند، گمراه می شوند. اگر هم بخواهند و لو با حسن نیت (تا چه رسد به اینکه سوء نیت داشته باشند) به بهانه اینکه مردم قابل و لایق نیستند و خودشان نمی فهمند آزادی را از آنها بگیرند به حساب اینکه مردم خودشان لیاقت ندارند، این مردم تا ابد بی لیاقت باقی می مانند. مثلا انتخابی می خواهد صورت بگیرد، حالا یا انتخاب وکیل مجلس و یا انتخاب دیگری. ممکن است شما که در فوق این جمعیت قرار گرفته اید واقعا حسن نیت هم داشته باشید و واقعا تشخیص شما این باشد که خوب است این ملت فلان فرد را انتخاب بکند، و فرض می کنیم واقعا هم آن فرد

شایسته تر است. اما اگر شما بخواهید این را به مردم تحمیل بکنید و بگوئید شما نمی فهمید و باید حتما فلان شخص را انتخاب بکنید، اینها تا دامنه قیامت مردمی نخواهند شد که این رشد اجتماعی را پیدا کنند. اصلا باید آزادشان گذاشت تا فکر کنند، تلاش کنند، آنکه می

خواهد وکیل بشود تبلیغات کند، آن کسی هم که می خواهد انتخاب بکند مدتی مردد باشد که او را انتخاب بکنم یا دیگری را، او فلان خوبی را دارد، دیگری فلان بدی را دارد. یک دفعه انتخاب کند، بعد به اشتباه خودش پی ببرد، باز دفعه دوم و سوم تا تجربیاتش کامل بشود و بعد به صورت ملتی در بیاید که رشد اجتماعی دارد. و الا اگر به بهانه اینکه این ملت رشد ندارد باید

به آزادی است از خرد هر کسی چنان چون بیالد ز اختر بسی فردوسی

قبل از شروع موضوع اولش ببینیم که آزادی چیه؟ آزادی . (حامص) عتق . حریت . اختیار. خلاف بندگی و رقیت و عبودیت و اسارت و اجبار. قدرت عمل و ترک عمل . قدرت انتخاب. (لغت نامه دهخدا)

متفکران آزادی را به عنوان آرزوی انسان و مایه بروز استعدادها و توانایی های فطری و باعث تکامل و توسعه و تفکرات می دانند پس به هر مسلمانی است که آنچنان که در امور مادی تلاش می نماید پیش از آن در جهت آزاد اندیشیدن و آزادگی فکری قدم بردارد. از جمله اثرات آزادی در یک جامعه، بلوغ فکری و رشد اجتماعی یک جامعه است. در ادامه مطالبی از متفکر شهید استاد مطهری در زمینه این موضوع آورده شده است.

۱. تاثیر آزادی بر رشد اجتماعی:

بسیاری از مسائل اجتماعی است که اگر سرپرستهای اجتماع افراد بشر را هدایت و سر





پایه‌ی اعمال مشروعیت است. بدون آراء مردم، بدون حضور مردم و بدون تحقق خواست مردم، خیمه‌ی نظام اسلامی، سرپا نمی‌شود و نمی‌ماند. ۱۴/۳/۱۳۷۸

در تفکر دینی، اساس حاکمیت دین و نفوذ دین و قدرت دین، تکیه‌ی به مردم است. تا مردم نخواهند، تا ایمان نداشته باشند، تا اعتقاد نداشته باشند، دین حاکم نمی‌شود. ... در قانون اساسی، ... همه‌ی مراکز قدرت هم، مستقیم یا غیر مستقیم با آراء مردم ارتباط دارند و مردم تعیین‌کننده و تصمیم‌گیرنده هستند و اگر مردم حکومتی را خواهند، این حکومت در واقع پایه‌ی مشروعیت خودش را از دست داده است. ۴/۱۲/۱۳۷۷ (حضرت آیت الله خامنه‌ای (حفظه الله))

همانطور که ملاحظه می‌شود آزادی به عنوان راهیست برای رشد جامعه که آزادی در انتخاب حاکمان یکی از مصادیق آنست. اسلام به عنوان کامل‌ترین دین و کامل‌کننده انسان این آزادی را نه تنها مجاز دانسته بلکه در تاریخ دینی ما نیز به آن تاکید کرده است. ان شاء الله بنا به حدیث علوی «قد جعلک الله حُرّاً» که امیر المومنین حضرت علی (ع) به فرزند ارشد خود امام حسن (ع) در نامه‌ای تاکید می‌فرمایند که خداوند تو را آزاد آفرید، قدر این آزادی را بدانیم و آن را تباه نکنیم.

محمدامین علیزاده

به او تحمیل کرد، آزادی را برای همیشه از او بگیرند، این ملت تا ابد غیر رشید باقی می‌ماند. رشدش به اینست که آزادش بگذاریم و لو در آن آزادی ابتدا اشتباه هم بکند. صد بار هم اگر اشتباه بکند باز باید آزاد باشد. (استاد شهید مطهری)

از جمله مصادیق آزادی، آن است که مردم خود حاکمانشان را تعیین کنند. در ادامه به سخنان حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی) در تائید این موضوع توجه فرمائید.

۲. جایگاه تصمیمات مردم در اسلام:

در اسلام به نظر مردم اعتبار داده شده است؛ رأی مردم در انتخاب حاکم و در کاری که حاکم انجام می‌دهد، مورد پذیرش قرار گرفته است. لذا شما می‌بینید که امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام) با اینکه خود را از لحاظ واقع منصوب پیغمبر و صاحب حق واقعی برای زمامداری میداند، آن وقتی که کار به رأی مردم و انتخاب مردم میکشد، روی نظر مردم و رأی مردم تکیه میکند؛ یعنی آن را معتبر می‌شمارد و بیعت در نظام اسلامی یک شرط برای حقانیت زمامداری زمامدار است. اگر یک زمامداری بود که مردم با او بیعت نکردند، یعنی آن را قبول نکردند، آن زمامدار خانه‌نشین خواهد شد و مشروعیت ولایت و حکومت به بیعت مردم وابسته است یا بگوئیم فعلیت زمامداری و حکومت به بیعت مردم وابسته است. ۲۲/۳/۱۳۶۶

هیچ‌کس در نظام اسلامی نباید مردم، رأی مردم و خواست مردم را انکار کند. حالا بعضی، رأی مردم را پایه‌ی مشروعیت میدانند؛ لاقلاً



از این کرونا تا اون کرونا !

کرونا مخفف عبارت «کتاب را ورق نردم اصلا» سندرمی بسیار شایع با علائمی همچون بی اشتها، بی خوابی، عفونت خاکی کتاب های موجود در قفسه و خستگی و خواب آلودگی به هنگام مواجهه با کتاب است. دانشمندان به این نتیجه رسیده اند که زدن ماسک نه تنها سبب کاهش شیوع این بیماری نمی شود، بلکه احتمال ابتلا به این بیماری را افزایش می دهد؛ برخی چنان ماسک های چندلایه ای در برابر آگاهی حاصل از خواندن کتاب زده ایم که انگار ویروسی است که قرار است جانمان را به نابودی بکشد. جالبی قضیه این است که همین ویروس آگاهی، اگر از هر طریق دیگری به غیر از خواندن کتاب وارد بدنمان شود با آن مشکلی نداریم و آن را مایه مباحثات می دانیم.

این روزها توصیه می شود برای جلوگیری از شیوع کووید ۱۹ تا می توانیم در خانه بمانیم و جز در هنگام ضرورت از خانه خارج نشویم. اما برای درمان سندرم کرونا به هیچ وجه نباید در خانه ذهنی مان حبس شویم. تا می توانیم باید بیرون بیاییم. بیرون از زندان های ذهنی مان. بیرون از غل و زنجیر ساختار های فرسوده ذهنی مان. برویم بیرون. آنقدر برویم تا از فاصله خیلی دور، کوچکی ذهنمان را در این دنیای پر از رمز و راز بنگریم. آنقدر برویم تا فاصله گذاری خود را نسبت به مسائل مختلف کمتر کنیم و آن ها را واضح تر و شفاف تر ببینیم. چرا از تاریخ فاصله گرفته ایم از فرهنگ فاصله گرفته ایم از هنر فاصله گرفته ایم. مگر فاصله گذاری برای کووید ۱۹ نبود؟؟ با کتاب برویم به دنیاهایی که در آن بابت رفت و آمدمان جریمه نمی شویم. هیچ کس ما را قرنطینه نمی کند. هیچ پروتکلی برایمان در نظر گرفته نمی شود.

در جنگ با سندرم کرونا (کتاب را ورق نردم اصلا!!) با خیالی آسوده مبتلا شویم به افکار و اندیشه های نو. مبتلا شدنی که نه تنها بر آمار فوتی ها اضافه نمی کند، بلکه از آمار وقت های فوتی و زمان های تلف شده می کاهد. مبتلا شدنی که مثل این وضعیت کووید ۱۹ نیست که با سهل انگاری باری بر دوش مدافعین سلامت بگذاریم بلکه شاید بتوانیم با آگاهی مان باری را از دوش خیلی ها برداریم. چقدر خوب میشود روزهایی بیایند که اگر تست کرونای ویروسی و تست کرونای کتابی!! از ما گرفته شود، هر دو با هم منفی شوند.

امیرحسین طالب جلیل



من انسانم پس انتخاب می کنم...

و طبیعی موجود، فردی را انتخاب کنند که شاخص هایی هم چون کفایت و ایمان، عدالت خواهی و ضد فساد، عملکرد انقلابی و جهادی، اعتقاد به توانمندی های داخلی، اعتقاد به جوانان به عنوان پیشران حرکت عمومی کشور و امیدواری به آینده داشته باشد و از طرفی، اینکه خواص با تبیین و روشن گری فضای غبار آلود را برای هر چه عقلانی تر برگزار شدن این رزمایش ملی کنار بزنند و در موقع حساس سکوت نکنند مشخص خواهد کرد که سرنوشت این ملت هم چون بنی اسرائیل خواهد شد یا خیر...

و امیدست این مسئله برای ما حل شود که بعد از تمام شدن شمارش آرا و اعلان نتیجه نهایی انتخابات، اصل کار و جهاد شروع خواهد شد نه اینکه تمامی کارها قبل از رای آوردن کاندیدای مد نظر ما شروع شود و بعد از انتخاب ایشان توسط اکثریت، صرفاً مشغول تقسیم غنائم شویم و تعهد خویش را در برابر ناس و رب الناس فراموش کنیم...

توضیحات.

۱. پیشرفت از نظر غرب، پیشرفت مادی است؛ محور، سود مادی است؛ هرچه سود مادی بیشتر شد، پیشرفت بیشتر شده است؛ افزایش ثروت و قدرت. این، معنای پیشرفتی است که غرب به دنبال اوست؛ منطق غربی و مدل غربی به دنبال اوست و همین را به همه توصیه میکنند. پیشرفت وقتی مادی شد، معنایش این است که اخلاق و معنویت را میشود در راه چنین پیشرفتی قربانی کرد. یک ملت به پیشرفت دست پیدا کند؛ ولی اخلاق و معنویت در او وجود نداشته باشد. اما از نظر اسلام، پیشرفت این نیست. البته پیشرفت مادی مطلوب است، اما به عنوان وسیله. هدف،

انسان صاحب عقل است و با نعمت اختیار و قدرت انتخاب همواره در دوراهی های زندگی بوده و مخیر است که راه را از چاه تشخیص بدهد و به سمت هدف متعالی زندگی که همان «رشد» است حرکت کند (۱).

عقل سلیم نیز این را می پذیرد که در حرکت به سوی قله، سختی ها و گرفتاری ها، زمین خوردن ها و زخمی شدن ها وجود دارد ولی تا وقتی که حرکت در راستای کلی به سوی هدف باشد همه ی این موارد قابل تحمل است حتی اگر در مقاطعی حرکت کند و آهسته باشد...

سرنوشت ملت ها نیز همین طور است، به عبارتی ملت ها خود برمی گزینند چه سرنوشتی داشته باشند (۲) و تا وقتی که عاقلانه و آزادانه بتوانند مسیر خود را انتخاب کنند؛ به سمت «رشد» در حرکت اند حتی اگر در مقاطعی راه را اشتباه رفته و گمراه شوند اما از مسیر کلی خارج نشوند...

یکی از مصادیق اراده ی مردم در سرنوشت خود مسئله ی انتخابات است. انتخاباتی که ریشه در نص اسلام دارد. (۳) و برخلاف دموکراسی رایج که صرفاً از رای مردم به عنوان یک حق یاد می کند؛ در مردم سالاری دینی یک وظیفه الهی نیز به شمار می آید. (۴)

بنابراین یا این مدل جهان بینی، نقش مردم و خواص آن ها، که در تبیین و راهنمایی ایشان نقش حیاتی دارند، رنگ و بوی دیگری می گیرد...

اینکه مردم با بصیرت و عقلانیت دوگانگی های فریبنده و شعار های پوچ، که قدرت استدلال آن ها را از بین می برد، کنار بزنند و با تکیه بر نقاط امید از جمله ظرفیت ها و استعداد های انسانی





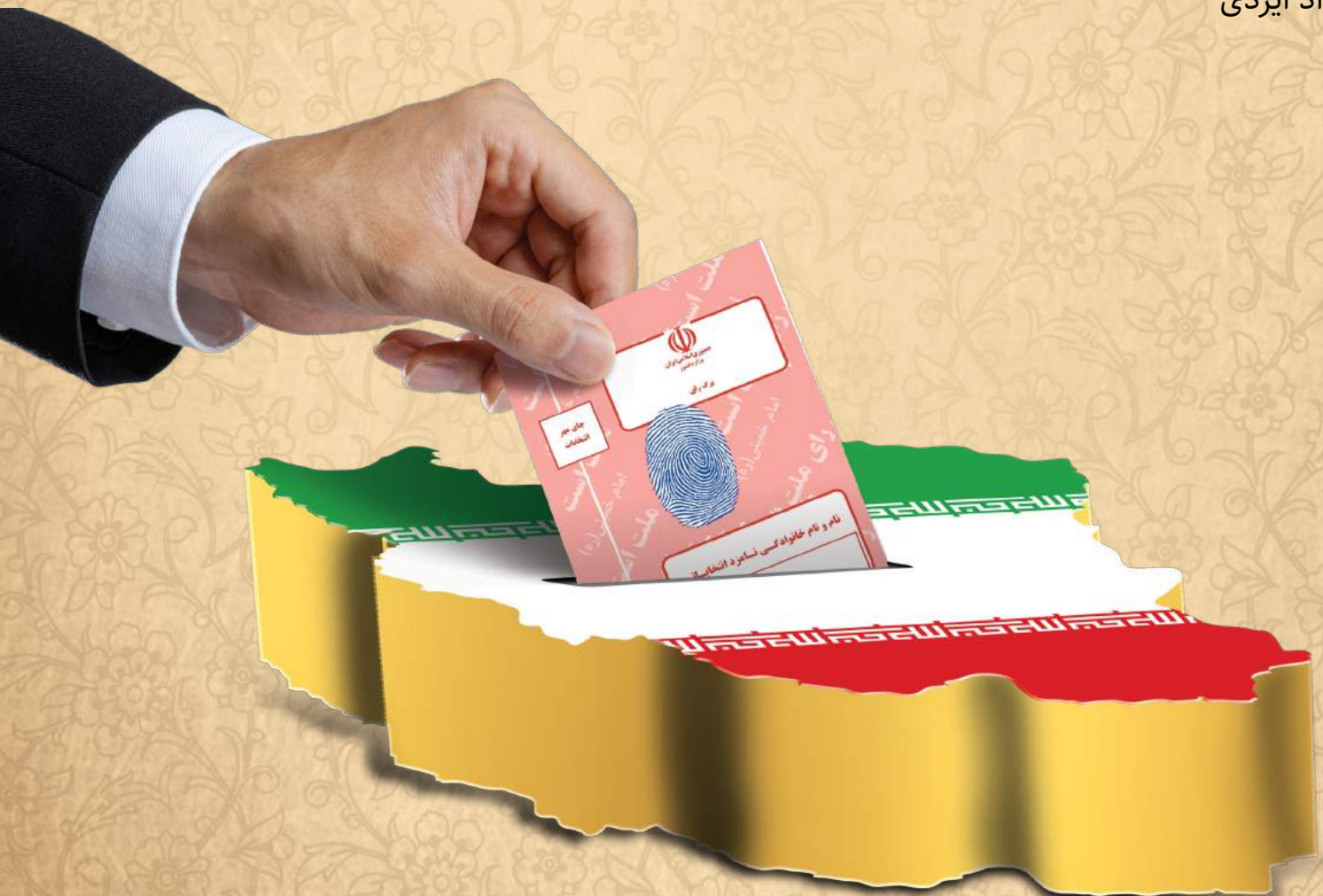
رشد و تعالی انسان است. (امام خامنه ای ۸۶/۲/۲۵)

۲. إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ (آمَّا) خداوند سرنوشت هیچ قوم را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند! آیه ۱۱ سوره رعد

۳. افرادی گمان نکنند که امام بزرگوار ما، انتخابات را از فرهنگ غربی گرفت و آن را قاطی کرد با تفکر اسلامی و شریعت اسلامی؛ نه، اگر انتخابات و مردم سالاری و تکیه‌ی به آراء مردم، جزو دین نمی‌بود و از شریعت اسلامی استفاده نمی‌شد، امام هیچ تقیدی نداشت؛ آن آدم صریح و قاطع، مطلب را بیان می‌کرد... گردش کار در این نظام به وسیله‌ی مردم سالاری است؛ یعنی آحاد مردم نماینده‌ی مجلس را انتخاب می‌کنند، رئیس جمهور را انتخاب می‌کنند، وزرا را با واسطه انتخاب می‌کنند، خبرگان را انتخاب می‌کنند، رهبری را با واسطه انتخاب می‌کنند؛ کار دست مردم است؛ این پایه‌ی اصلی حرکت امام بزرگوار است. (امام خامنه ای ۹۳/۳/۱۴)

۴. انتخابات یک حق است و یک وظیفه است. ما هرکدام مان به‌عنوان یک فرد از افراد این ملت، هم حق داریم در انتخابات شرکت کنیم، هم وظیفه داریم. آن کسانی که به‌نظام جمهوری اسلامی معتقدند، قانون اساسی را قبول دارند، هم از این حق می‌خواهند استفاده کنند، هم این وظیفه را می‌خواهند انجام دهند. همه باید این وظیفه را انجام دهند. (امام خامنه ای ۱۳۹۱/۱۰/۱۹)

حواد ایزدی



چرا انقدر پراکنده ایم؟!؟

هفته ی پیش یکی از دوستان قدیمی دبیرستان یک عکس برایم فرستاد. عکسی که من رو بیش از پیش در یک مسئله جدی که اخیرا فکر مرا به خود مشغول کرده است ، فرو برد. موضوعی که چند وقتی شده است که با بعضی از دوستان خوش فکر و اساتید دوزیست(۱) محل بحثمان بوده و البته عواقب آن گریبان گیر تقریبا اکثر جوان های هم سن و سال خودم می باشد...
همه ی این ها دست به دست هم دادند تا این متن نوشته شود.
برای شروع از همان تصویر ارسال شده شروع می کنیم...
یک تصویر معمولی از تعدادی از دوستان در یک روز بهاری در زمینه یک طبیعت بکر...
البته در تصویر صحنه های مختلفی وجود داشت. تعدادی از دوستان کنار آتش در حال آماده کردن سیخ های جوجه و گوجه ، آن طرف تر عده ای مشغول به بازی والیبال به همراه یک داور و یک دوربین به دست برای ثبت تصاویر جذاب خاطره انگیز احتمالی...





به علاوه تصویر در کنار این جمع ، زیبایی های طبیعت را هم به نمایش گذاشته بود ؛ رودی که از آن طرف خودرو های پارک شده می گذشت و با تمامی بی صدایی تصویر ، صدای دل انگیز آب را در ذهن طنین انداز می کرد.

اما نکته ای که مرا به فکر فرو برد نه جوجه های بدون استخوان بود و نه آن رود زلال... آن قسمت گوشه ی پایینی تصویر که عده ای روی یک زیلو بودند به نوعی که هم زمان بعضی ایستاده ، بعضی خمیده و بعضی هم در حال سجده بوده اند...

البته این که بعضی از دوستان در حال نماز بودند در نوع خود برای من عجیب نیست ولی اینکه همه ی افراد نماز را فرادی می خوانند برای من عجیب بود. اینان دوستان نزدیک و قدیمی هم هستند نه افراد زبان نا آشنا از اقوام مختلف و البته روی یک زیلوی ۳ ، ۴ که جمعا میشود ۱۲ متر است نه در یک سرزمین بزرگ هزاران متری...

این صحنه و دیگر صحنه های مشابه باعث شد به این مسئله فکر کنم که « چقدر ما پراکنده ایم.»

و از این مثال ها بسیارست.

مثلا همه ما در مساجد دیده ایم که وقتی امام جماعت حضور دارد همه ی مامومین با نظم ، در کنار هم صف ها را تشکیل داده و پشت امام جماعت می ایستند. اما اگر امام جماعت بنا به هر دلیلی یک روز نیاد ، همه پراکنده می شوند و نماز را به تنهایی می خوانند...
خب علت چیست؟! چرا انقدر پراکنده هستیم?!

البته پراکنده بودن ما تنها ختم به نماز جماعت های بدون امام جماعت نمیشود.

مسئله این است که چرا؟! آیا ما نمیتوانیم بیش از این در امور دینی باهم منسجم بشویم؟! آیا نمی شود با هم جمع شویم و همچون دستی واحد گرفتاری های یکدیگر را برطرف کنیم؟! گرفتاری هایی که همه ی ما در آن ها فرو رفته ایم و منتظریم فردی برای کمک ما ، پا پیش بگذارد و در عین حال فرو رفتن اطرافیان را در گرفتاری های خودشان می بینیم و با اینکه در مواردی حداقل کاری که از دست هایمان برمیاد را از ایشان دریغ می کنیم و باز همچنان منتظریم?!

آیا نمیشود با هم یک جمع مومنانه تشکیل دهیم?!

واقعا چرا پراکنده ایم?!

اباذر نجاتی



اے عاشقان اے عاشقان پیمانہ راگم کردہ ام
درکنج ویران ماندہ ام، خمخانہ راگم کردہ ام
ہم درپے بالائیان، ہم من اسیر خاکیان
ہم درپے ہمخانہ ام، ہم خانہ راگم کردہ ام
آہم چو برافلاک شدا شکم روان بر خاک شد
آخر از اینجان بیستم، کاشانہ راگم کردہ ام
درقالب این خاکیان عمرے است برگردان شد
چون جان اسیر حبس شد، جانانہ راگم کردہ ام
از حبس دنیا خستہ ام چون مرغ کے پر بستہ ام
جانم از این تن میر شد، سامانہ راگم کردہ ام
در خواب دیدم بی دلے صد عاقل اندرپے روان
مے خواند با خود این غزل، دیوانہ راگم کردہ ام
گر طالب راہے بییا، و درپے آہے برو
این گفت و با خود مے سرود، پروانہ راگم کردہ ام

«مولانا»





فانوس نجات

مبارزه فرهنگی یعنی تلاش برای
تغییر فرهنگ حاکم بر ذهن‌های
مردم تا راه را برای حکومت الهی
هموار و بر حکومت طاغوتی
بینند؛ و امام باقر علیه السلام این کار را
شروع کرد. باقر علم‌الاولین یعنی
این؛ ایشان شکافنده حقایق قرآنی
و دانش‌های اسلامی بودند.

من ۴۳۴ کتاب انسیان | رهبران انقلاب | ۱۳۶۵ / ۵ / ۹
۱۵۰ ساله (و پیدایش دوم)



مرکز اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران